آشوبی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: استقلال به‌خاطر نوسان کم و پرسپولیس بالقوه مدعی قهرمانی هستند

فوتبال نه، برای لیگ ما هدبال اسم مناسب‌تری است

■ ثبات تیم‌ها از لحاظ فنی بزرگ‌ترین تفاوت نسبت به فصول گذشته است

■ عدم‌شناسایی استعداد باعث می‌شود با رفتن دو بازیکن احساس فقر کنیم

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

نیم‌فصل دوم رقابت‌های لیگ برتر درحالی شنبه دیگر آغاز می‌شود که در پایان نیم‌فصل اول دو تیم پرطرفدار و مطرح فوتبال ایران، یعنی استقلال و پرسپولیس همان‌طور که انتظار می‌رفت صدر جدول را از آن خود کرده و از لحاظ نتیجه‌گیری و کیفی خود را به‌عنوان مدعی اصلی کسب عنوان قهرمانی فصل بیست‌ویکم معرفی کرده‌اند. این درحالی است که تیم‌هایی مانند سپاهان، مس‌رفسنجان و حتی آلومینیوم اراک یا گل‌گهر، پیکان و فولاد نیز از تیم‌های قابل احترام لیگ برتر محسوب شده و نشان داده‌اند که می‌توانند در این فصل حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشند. درخصوص نیم‌فصل اول رقابت‌ها، شرایط کیفی و فنی تیم‌های و سایر مسائل مرتبط با یکی از کارشناسان شناخته شده فوتبال هم‌صحبت شدیم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با فرزاد آشوبی را در ادامه می‌خوانید.

///

ارزیابی شما از نقاط ضعف و قوت نیم‌فصل اول رقابت‌های لیگ برتر چیست؟

اگر بخواهیم لیگمان را با استانداردهای روز دنیا که داریم می‌بینیم، مقایسه کنیم نمی‌توانیم نمره خوبی را برای این لیگ قائل باشیم، اما در هر صورت این مدلی است که سال‌ها به آن عادت کردیم و شاید خیلی انتظار بزرگی باشد که بخواهیم تغییر ایجاد شود. من به غیر از سه یا چهار تیم از جمله پرسپولیس، مس‌رفسنجان و یکی دو تیم دیگر از لحاظ فنی سایر تیم‌ها را خیلی خوب نمی‌بینم. به‌نظرم سطح کلی لیگ ما خیلی بالاتر و جذاب‌تر از این صحبت‌ها می‌تواند باشد، ضمن اینکه از کیفیت و بار فنی بیشتری هم برخوردار است، اما در هر صورت اگر این اتفاق نمی‌افتد شاید دلایل خاص خودش را داشته باشد. در هر حال می‌توان با کمی ارفاق نمره قابل قبولی را برای لیگ برتر در نیم‌فصل اول قائل شد.

تفاوت آشکار لیگ بیست‌ویکم درحالی که نیم‌فصل از آن سپری شده با فصول گذشته لیگ برتر را در چه مواردی می‌بینید؟

شاید از مهم‌ترین موضوعاتی که در این فصل از رقابت‌ها در لیگ برتر شاهد آن بودیم می‌توان به تغییر و تحولات کمتری اشاره کرد که اتفاق افتاده و این یعنی ثبات تیم‌ها از لحاظ فنی به آنها کمک کرده و باعث شده است تا در مقایسه با گذشته یک‌مقدار لیگ فشرده‌تری را شاهد باشیم، اما کماکان معتقدم که فاصله‌های بزرگی را با استانداردهای روز دنیا داریم.

بازی‌های نسبتا کم‌گلی را شاهد هستیم و این درحالی است که مهاجمان خارجی در صدر جدول گلزنان لیگ برتر ایران قرار دارند.

در بخشی که باید سازندگی کنیم و تولیداتمان کیفی‌تر و بیشتر باشد، متاسفانه دچار ضعف هستیم. بیشتر منظور من به فوتبال پایه برمی‌گردد و در فوتبال ایران درواقع سبک و استایلی که قالب شده و پیش می‌رود، شرایط را سخت‌تر از این هم خواهد کرد.

البته با فقر هافبک بازی‌ساز هم طرف هستیم و به آن صورت در این پست بازیکن مطلوبی را نمی‌بینیم.

باز هم تاکید می‌کنم باید این موضوع مقداری ویژه‌تر بررسی شود، چون استایل و سبکی که در فوتبال پایه ما قالب شده سمت و سوی کار را به این جهت آورده است، هرچند در رده‌های سنی و در سنین پایه می‌توانیم به معدود تیم‌هایی اشاره کنیم که مجزا از این سیستم قالب هستند، اما درمجموع چیزی به اسم فوتبال یعنی پا و توپ را ما در این سیستم نمی‌بینیم و بیشتر سر و توپ را می‌بینیم، یعنی شاید هدبال اسم مناسب‌تری برای این رشته ورزشی که بازی می‌کنیم باشد تا فوتبال! به همین خاطر فضا برای رشد بازیکنانی که خیلی فنی‌تر فوتبال را بازی می‌کنند سخت شده و به مرور این موضوع دارد به ما آسیب می‌زند. به‌نظر من ما در این زمینه به یک برنامه کلی نیاز داریم. شما اگر الان فوتبال آلمان را ببینید که یک زمانی به فوتبال ماشینی معروف بود و یا فوتبال ایتالیا و یا حتی فوتبال انگلیس و سایر لیگ‌های مطرح اروپا که اینها همه قطب‌های فوتبال اروپا هستند و بهترین لیگ‌ها را دارند، اگر آنها را مرور کنید کاملا یک فلسفه واضح و مشخصه حاکم بر آنها را می‌بینیم که این فلسفه کمک می‌کند تا خروجی مطلوب‌تری را شاهد باشیم؛ اما این مقوله در کشور ما مغفول مانده و ما فلسفه مشخصی را برای فوتبال‌مان نداریم و طبیعتا سطح انتظارمان را باید پایین‌تر بیاوریم.

در چند سال اخیر که تورم روزافزون را در اقتصاد ایران شاهد بودیم، همزمان با این اتفاق فوتبالیست‌های ایرانی نیز به‌راحتی کوچ کرده و لژیونر می‌شوند و این موضوع نشان می‌دهد که چه بسا این اتفاق باعث خالی شدن فوتبال ایران از ستاره‌ها شده باشد.

من خیلی به این موضوع معتقد نیستم؛ چراکه ما کشوری هستیم که استعدادهای فوتبالی زیادی داریم که در بین آنها استعدادهای خاص و ویژه هم وجود دارد و ما باید بتوانیم این استعدادها را شناسایی کرده و آنها را برای سطوح بالاتر آماده کنیم. بنابراین این بخش به‌درستی در فوتبال ایران اتفاق نمی‌افتد و به‌نظر من این موضوع به کیفیت لیگ و فوتبال ما ضربه می‌زند و باعث می‌شود تا با رفتن یک یا دو و سه بازیکن احساس فقر کنیم.

در هر صورت ۹۰ درصد شاکله تیم‌ملی را لژیونرها تشکیل می‌دهند و در ترکیب اصلی فقط شاهد حضور نفراتی مثل وحید امیری و نورافکن هستیم.

بله، طبیعتا وقتی بازیکن شرایط مالی بهتری را می‌بیند و از سوی دیگر با رفتن به فوتبالی که حرفه‌ای‌تر و رقابتی‌تر است می‌تواند سطح کیفیت بالاتری را تجربه کند و به رشد بیشتری برسد؛ فکر می‌کنم کاملا منطقی است اگر که انتظار داشته باشیم چنین تصمیمی را بگیرد، اما با همه این تفاسیر ما می‌توانیم در بخش پایه قوی‌تر عمل کنیم و استعدادها را بسازیم. در این خصوص یک مثال واضح می‌زنم؛ کشوری که هم‌مرز ما محسوب می‌شود یعنی قطر با یک جمعیت بسیار کم اما با یک برنامه‌ریزی مدون و طولانی‌مدت و قوی می‌آید و قهرمان جام ملت‌های آسیا می‌شود، این یعنی ساختن یک پروسه زمان‌بر محسوب شده است و این درحالی است که ما با توجه به جمعیت مستعد بیشتری که در اختیار داریم طبیعتا می‌توانیم از خیلی از کشورهای آسیایی و حتی بعضی از کشورهایی که در سطوح بالای فوتبالی وجود دارند قوی‌تر باشیم. به نظر من در این مورد فلسفه واضح و مشخصی در فوتبال ما وجود ندارد و توجه بیش از حد و صرف به نتیجه‌گرایی بدون فاکتور شرایط فنی خروجی را به حداقل رسانده است.

به رقابت‌های لیگ برتر برگردیم، تیم‌هایی مانند مس‌رفسنجان با آلومینیوم اراک بعد از دو فصل حضور در سطح اول فوتبال ایران به‌عنوان مدعی خود را نشان دادند. این درحالی است که تیم‌هایی مانند تراکتور، پدیده و ذوب‌آهن در جایگاهی هستند که تعجب‌آور است و در شأن سابقه آنها محسوب نمی‌شود.

خیلی واضح است، آلومینیوم و مس که مثال زدید با سرمربیانی کار می‌کنند که با همین سرمربیان به لیگ برتر رسیدند، یعنی وقتی کیفیت، کیفیت خوبی است و عملکرد نیز عملکرد مناسبی به‌شمار می‌رود نه صرفا از باب نتیجه‌گرایی، بنابراین این موضوع و ثبات کمک می‌کند تا یک شرایط ثابت و نرمال در تیم‌ها و باشگاه‌های فوق که به آنها اشاره کردید، حاکم باشد و درنهایت خروجی آن عملکردی بهتر برای این گروه محسوب می‌شود؛ اما تیم‌های باسابقه‌ای که مثال زدید همگی از تغییرات پرتکرار و پرتعداد در نیمکت، کادر و بازیکنان خود ضربه خورده و رنج بردند و این موضوع نمی‌تواند اتفاق خوشایندی باشد و دورنمای خوبی را به ما نشان دهد. حتی تیمی مانند فولاد خوزستان که رفت و برگشت کوتاه‌مدت جواد نکونام را تجربه کرد و به همین دلیل با یک استُپ مواجه شد. این درحالی است که جواد نکونام با فولاد فصل گذشته عملکرد خوبی داشت و نتایج مطلوبی را کسب کرد و در بازگشت باز هم شاهد همان روند هستیم. نکونام فولاد را مطابق سلیقه خودش انتخاب کرد و رشد و تمرین داد، پس طبیعتا ادامه همکاری او می‌تواند خروجی بهتری داشته باشد.

امسال یک قانون در فوتبال ایران مصوب شد مبنی‌بر اینکه یک مربی نمی‌تواند با بیشتر از دو تیم همکاری کند، این موضوع را چطور ارزیابی می‌کنید؟

قانون خوبی است چون مربی هم گاهی نیاز دارد استراحت کند. اینکه شما در طول فصل ۳ یا ۴ تیم را تغییر بدهید چقدر زمان باقی می‌ماند که با گروه جدید به آشنایی برسید؟ به‌ویژه گروهی که محصول انتخاب شما نیست و بارها و بارها این موضوع را از زبان مربیان شنیدیم و هنوز هم می‌شنویم که می‌گویند این تیم را خودمان نبستیم و این سوال پیش می‌آید که اگر به این سختی آگاه بودید چرا این شرایط را انتخاب کردید و پیشنهاد تیم را پذیرفتید؟ اما حالا که پذیرفتید باید بمانید و کار کنید هرچند صرفا این موضوع به‌نظر من یک توجیه است.

به‌عنوان آخرین سوال چه تیم‌هایی را در فصل‌جاری در حد مدعی قهرمانی دیدید؟

استقلال به‌خاطر نوسان کمی که در نتایج این تیم شاهد بودیم و البته نه فرم و مدل فوتبالی که ارائه می‌دهد مدعی جدی است. پرسپولیس هم یک مدعی بالقوه و قطعی محسوب می‌شود که از دید من اصلی‌ترین مدعی قهرمانی نیز همین تیم است. این دو تیم فعلا توانستند خود را از سایرین جدا کنند، اما به مس‌رفسنجان و سپاهان خوشبین هستم که می‌توانند شرایط بهتری را تجربه کنند ضمن اینکه نساجی برخلاف سال‌های گذشته آرامش بیشتری دارد و طبیعتا عملکرد این تیم را بر همین اساس می‌بینیم. از سوی دیگر اگر گل‌گهر آن اتفاق برایش نیفتاده بود امروز شرایط متفاوتی داشت. اما درمجموع به‌نظرم بیشتر این تیم‌ها به همراه جواد نکونام مجددا در مسیر درستی قرار گرفته‌اند و می‌توانند مدعی باشند.

جابه‌جایی‌هایی که باعث بهتر شدن شرایط حریفان در کورس قهرمانی شدند

جدایی به قیمت تقویت رقیب

سیامک خاجی
خبرنگار گروه ورزش

رشید مظاهری این فصل چالش‌های زیادی در استقلال داشت و درنهایت نیز در نیم فصل از این باشگاه جدا شد تا فوتبالش را دوباره در اصفهان ادامه دهد. یکی از شایعاتی که درباره این گلر پرحاشیه به گوش می‌رسید احتمال انتقالش به پرسپولیس در نیم‌فصل بود. با توجه به اینکه رادوشوویچ از جمع شاگردان گل‌محمدی جدا شده بود و حامد لک نیز در هفته‌های اخیر نمایش مطمئنی نداشت گفته می‌شد مظاهری تصمیم دارد در انتقالی جنجالی سرخپوش شود اما آبی‌ها اعلام کردند به هیچ عنوان رضایتنامه او را برای این تیم صادر نخواهند کرد. از اردوی استقلال خبر می‌رسید که آنها نمی‌خواهند در نیم‌فصل این بازیکن را به یکی از رقبای خود واگذار کنند اما درنهایت و در کمال تعجب این اتفاق رخ داد و او به سپاهان که یکی از مدعیان قهرمانی در این فصل است، رفت. این روال معمولا در باشگاه‌های مدعی مرسوم نیست و آنها تا جای ممکن تلاش می‌کنند تا ستاره‌های خود را به تیم‌های رقیب واگذار نکنند. با این حال از این دست نمونه‌ها کم نبوده و البته در موارد بسیاری باشگاه‌ها از اینکه به راحتی نفرات تاثیرگذار خود را به رقبا واگذار کرده‌اند، ضرر دیده‌اند. در ادامه نگاهی به برخی از این جابه‌جایی‌های جنجالی در فوتبال اروپا خواهیم داشت.

یوهان کرایف (آژاکس به فاینورد ۱۹۸۳)

آژاکس پس از مرگ ستاره بزرگ فوتبال هلند در سال ۲۰۱۶ نام ورزشگاه خود را به یوهان کرایف تغییر داد تا به این وسیله نسبت به او ادای احترام کرده باشد اما در اوایل دهه ۸۰ رابطه این اسطوره با باشگاه چندان خوب نبود. در پایان فصل ۸۳-۱۹۸۲ کرایف با مدیران باشگاه به مشکل خورد و اگر چه گفته می‌شد در صورت داشتن پیشنهاد از این تیم حاضر بود قراردادش را تمدید کند اما پس از بی‌اعتنایی مسئولان این تیم، در تصمیمی جنجالی آمستردام را ترک کرد. ستاره هلندی که در ۳۶ سالگی هنوز هم تاثیرگذار و درخشان بود به روتردام رفت تا برای فاینورد، رقیب دیرینه آژاکس بازی کند و این جابه‌جایی اصلا برای هواداران آژاکس قابل تحمل نبود. به‌خصوص که فاینورد که سال‌ها در حسرت قهرمانی مانده بود به لطف نمایش عالی کرایف در انتهای فصل دبل کرد و نه‌تنها جام حذفی بلکه لیگ اردویسه را نیز فتح کرد. کرایف در پایان آن فصل بازنشستگی خود را اعلام کرد و برای آژاکس غیبت این بازیکن توانمند بسیار گران تمام شد.

رابین فن‌پرسی (آرسنال به منچستر یونایتد ۲۰۱۲)

برای سال‌ها دو باشگاه آرسنال و یونایتد اصلی‌ترین رقبا برای قهرمانی در لیگ برتر بودند و رقابت بین ونگر و فرگوسن برای بالا بردن جام یکی از جذاب‌ترین اتفاقات این سال‌ها بود. یونایتد در فصل ۱۲-۲۰۱۱ تنها به دلیل تفاضل گل کمتر نتوانست قهرمان شود و این موضوع باعث شد تا فرگی به سرعت به سراغ خرید یک مهاجم جدید برود. یکی از اصلی‌ترین گزینه‌های او رابین فن‌پرسی، ستاره هلندی آرسنال بود که سابقه بازی در لیگ جزیره را داشت و می‌توانست کمک زیادی به شیاطین سرخ کند. توپچی‌ها وقتی به پیشنهاد ۲۴ میلیون پوندی یونایتد رسید نتوانستند آن را رد کنند به‌خصوص که گلزن هلندی آخرین سال قراردادش را می‌گذراند و به همین دلیل آرسنال یکی از بازیکنان خوب و موثر خود را به رقیبش در لیگ فروخت. فصل بعد یونایتد جام قهرمانی در لیگ را بالای سر برد و فن‌پرسی هم با ۳۰ گل زده عنوان آقای گلی را به دست آورد تا ارزش چنین خریدی خیلی زود مشخص شود.

روبرت لواندوفسکی (دورتموند به بایرن مونیخ ۲۰۱۴)

مهاجم لهستانی چند فصل عالی را با لباس زردها سپری کرد و در ۱۸۷ بازی ۱۰۳ گل برای این تیم زد و توانست آنها را در سال ۲۰۱۳ تا فینال لیگ قهرمانان نیز برساند. لواندوفسکی یکی از بازیکنان پرطرفدار آن زمان بود و باشگاه‌های زیادی خواهان به خدمت گرفتن او بودند اما درنهایت این بایرن مونیخ بود که او را خرید تا عملا یکی از ارکان موفقیت تیم رقیب را از آنها بگیرد. به این ترتیب دورتموند با جدایی او و متس هوملز به‌شدت تضعیف شد و راه برای قهرمانی‌های باواریایی‌ها هموارتر شد.

لوئیس سوارز (بارسلونا به اتلتیکو مادرید ۲۰۲۰)

یکی از تازه‌ترین مواردی که باشگاه‌ها از فروش ستاره خود به باشگاه رقیب متضرر شدند مربوط به تصمیمی است که بارسا در مورد مهاجم اروگوئه‌ای خود گرفت. در ابتدای فصل پیش رونالد کومان اعلام کرد نیازی به سوارز ندارد و این بازیکن می‌تواند تیم بعدی خود را انتخاب کند. چهارمین گلزن تاریخ بارسا هم تصمیم گرفت راهی اتلتیکو شود و از قضا در فصل پیش با زدن ۲۱ گل در ۳۸ مسابقه نقش مهمی در قهرمانی شاگردان دیه‌گو سیمئونه داشت. آن هم درحالی که آبی‌اناری‌ها در خط حمله با مشکل روبه‌رو بودند و غیبت یک مهاجم گلزن را به خوبی حس می‌کردند. برای هواداران کاتالان‌ها درخشش سوارز در وندا متروپولیتانو و عملکرد ضعیف بازیکنانی چون مارتین برایت‌وایت بسیار ناراحت‌کننده بود.

روبرتو باجو (فیورنتینا به یوونتوس ۱۹۹۰)

شاید این روزها با چنین انتقال‌هایی چندان سختگیرانه برخورد نشود اما در دهه ۹۰ چنین اتفاقی حتی باعث تظاهرات و شورش هواداران می‌شد. درست همانند اتفاقی که در فلورانس پس از جدایی روبرتو باجو رخ داد. باجو فیورنتینا را به فینال جام یوفا ۱۹۹۰ رساند اما آنها در مسابقه نهایی به یووه باختند. عملکرد خوب این مهاجم تکنیکی باعث شد تا بینکونری به سراغ خرید او برود و با رقمی که تا آن زمان در تاریخ فوتبال سابقه نداشت راهی یووه شد. هواداران فیورنتینا به‌شدت به این جابه‌جایی واکنش نشان دادند و حتی حضور آنها در خیابان‌های فلورانس به خشونت کشیده شد که در نتیجه آن چندین نفر هم زخمی شدند. آنها تلاش داشتند خود را به فلاویو پونتلو، رئیس آن زمان باشگاه برسانند اما گفته می‌شد او خود را در ورزشگاه آرتیمو فرانچی محبوس کرده و از ترس هواداران عصبانی از دفتر کارش خارج نمی‌شد. باجو در تورین روزهای خوبی را پشت سر گذاشت و فیورنتینا هم پس از آن کمتر توانست به جمع تیم‌های مدعی نزدیک شود.

کلارنس سیدورف (اینتر میلان به میلان ۲۰۰۲)

سیدورف یکی از بازیکنانی است که مستقیما بین دو تیم میلانی جابه‌جا شده است اما این انتقال با رضایت طرفین انجام شد. اینتر تصمیم گرفت این هافبک نامدار هلندی را با فرانچسکو کوکو، مدافع هافبک ملی‌پوش ایتالیایی معاوضه کند تا شاید نقاط ضعف خود را برطرف کند اما بعدها فهمید چه اشتباه بزرگی را مرتکب شده است. کوکو در آن زمان در فهرست آتزوری برای جام‌جهانی قرار داشت اما در طول ۵ سال حضورش در اینتر تنها ۳۰ بازی انجام داد و بیشتر به دلیل مصدومیت خانه‌نشین بود. سیدورف اما در میلان افتخارات زیادی ازجمله دو قهرمانی سری A و دو لیگ قهرمانان به دست آورد تا به تنها بازیکنی تبدیل شود که با سه تیم مختلف قهرمانی اروپا را تجربه کرده است.

رحیم استرلینگ (لیورپول به منچستر سیتی ۲۰۱۵)

لیورپول در فوتبال انگلیس به باشگاهی بازیکن‌ساز مشهور است و یکی از این نفرات استرلینگ بود که در سال ۲۰۱۲ و در ۱۷ سالگی در عکس تیمی این باشگاه دیده شد. پیشرفت او بسیار عالی بود اما در سال ۲۰۱۵ وقتی پیشنهاد وسوسه‌برانگیز سیتی رسید او ترجیح داد باشگاه را برای فروش خود تحت فشار بگذارد و به این ترتیب لیورپول برخلاف میل خود او را به سیتی واگذار کرد. او پس از انتقال ۴۹ میلیون پوندی خود به این تیم سه قهرمانی را با آنها تجربه کرد و یکی از بازیکنان تاثیرگذار تیم گواردیولا در این سال‌ها بوده است.